

**کریلا در کلام امام خمینی(ره)**

امام خمینی(ره) به پیروزی انقلاب ایمان راسخ داشت و معتقد بود که می‌توان با الگو گرفتن از قیام حسینی(ع) و تکیه بر ایمان و اخلاص مستضعفان و محرومان به مبارزه با استکبار جهانی و مزدوران آنها برخاست.



حرف سیدالشهدا(ع) حرف روز است/ نهضت حسینی باید حفظ بشود

امام خمینی(ره) به پیروزی انقلاب ایمان راسخ داشت و معتقد بود که می‌توان با الگو گرفتن از قیام حسینی(ع) و تکیه بر ایمان و اخلاص مستضعفان و محرومان به مبارزه با استکبار جهانی و مزدوران آنها برخاست.

به گزارش خبرگزاری فارس، به جرأت می‌توان گفت سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و درحالی که سلطه بیگانگان و اختناق دیکتاتورها غبار غلیظی از یأس و ناامیدی در همه جا پراکنده بود، امام خمینی(ره) به پیروزی انقلاب ایمان راسخ داشت و معتقد بود که می‌توان با الگو گرفتن از قیام حسینی(ع) و تکیه بر ایمان و اخلاص مستضعفان و محرومان به مبارزه با استکبار جهانی و مزدوران آنها برخاست. در آن دوران، مردم ایران با دو تجربه تلخ و ناکام روبرو بودند. تجربه قیام مشروطیت که به دست روشنفکرنمایان وابسته به قدرت‌های بیرونی به انحراف کشیده شده بود و تجربه نهضت ملی شدن صنعت نفت که مصدق با کنار گذاشتن روحانیت و دوری از ارزش‌های اسلامی، آن را به کودتای 28 مرداد و بازگشت دوباره شاه منجر کرده بود. از این روی در طلیعه انقلاب برخی از تردیدها در میان شماری از نخبگان مطرح بود. به طور مثال، حسنین هیکل در ملاقاتی که در پاریس با امام خمینی دارد از ایشان سؤال می‌کند، حرکت اسلامی را در مقایسه با زمان پیامبر چگونه می‌بینید؟ و امام پاسخ می‌دهند: حرکت کنونی ایران نمونه‌ای از حرکت صدر اسلام است که در یک مدت کوتاهی تأثیری بسیار عمیق و طولانی برجای خواهد گذاشت.

حسنین هیکل با توجه به واقعیت‌هایی که از قبل شاهد آن بوده با تعجب از گسترش انقلاب اسلامی سؤال می‌کند. با وجود روحیه یأس و ناامیدی که در مردم ملاحظه می‌شد گسترش این حرکت جدید از چه چیزی ناشی می‌شود؟ حضرت امام در پاسخ سؤال او نه تنها با روشن بینی آینده انقلاب اسلامی در ایران بلکه آینده مسلمین (که امروز پس از 33 سال) شاهد آن هستیم را چنین ترسیم می‌کنند: &#171;این یأس در عموم کشورهای اسلامی بود. برای اینکه تبلیغات غربی و تبلیغات اجنبی به قدری شدید شده بود که تمامی اهالی مملکت اسلامی را تحت سیطره آنها برده بود و از این جهت احتمال نجات در مردم اصلاً وجود نداشت. حالا با این حرکت و نهضتی که پیدا شد، احتمال آن است که سایر ممالک هم متصل و ملحق بشوند. نه تنها احتمال، بلکه نزدیک به اطمینان است، که مسلمین از این سیطره نجات یابند و از خداوند، نجات و تحقق آمال مسلمین را آرزو می‌کنم.&#171;

حسنین هیکل با اشاره به کودتای 28 مرداد و وابستگی شاه به ابرقدرت‌ها و استکبار جهانی و... با احساس دل‌بستگی به انقلاب اسلامی و آرزوی موفقیت آن دغدغه‌های خود را این گونه ترسیم می‌کند &#171;... چند سال قبل من شاه را در ایران ملاقات کردم. همه تصور می‌کردند که اوضاع تثبیت شده است سؤال اینست که چرا این وضع اتفاق افتاد؟ چگونه اتفاق افتاد؟ و این توسعه عظیم جنبش از کجا ناشی می‌شود؟ حضرت امام در پاسخ به علل شکست نهضت در سال 1332 و علل پیروزی انقلاب می‌فرمایند:

&#171;این قدرت ناشی از اسلام است. در زمان کاشانی - مصدق اصل سیاست بود. جنبه‌های سیاسی جنبش قوی بود. در زمان کاشانی، هم به وی نوشتیم و هم گفتیم، که باید جنبه‌های دینی را توجه کنید. نتوانستند و یا نخواستند ایشان به جای تقویت جنبه‌های دینی و به جای آنکه جهات دینی را به جهات سیاسی غلبه بدهند، خودشان سیاسی شدند، رئیس مجلس شدند، که اشتباه بود. من گفتیم که باید برای دین کار کنند نه آنکه سیاسی بشوند. اما حالا جنبش در همه جهات، دینی است، اسلامی است، سیاست هم داخل آن است، اسلام دین سیاسی است، سیاست در بطن این جنبش است. خوب است حالا هم سری به ایران بزنید و ببینید از نزدیک که امروز چیست و آن روز چه بود...&#171;

حضرت امام از آغاز نهضت در قبل از 15 خرداد 1342 قیام کربلا و عاشورای حسینی را تنها راه مبارزه در تمامی ابعاد آن دانسته و می‌فرمایند:

&#171;... حضرت سیدالشهدا از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد. باید آنهایی که اهل مبارزه هستند چه جور مبارزه بکنند. و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد چطور باشد. کیفیت اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد. با یک عده معدود چطور باید باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالیقدر او به همه فهماند که بعد از اینکه این مصیبت واقع شد باید چه کرد باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قائل شد؟ یا باید همانطوری که زینب- سلام الله علیها- در دنباله آن مصیبت بزرگی که تصغر عنده المصائب (مصیبت‌ها پیش آن کوچک می‌شود) ایستاد و در مقابل کفر و زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شد مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن الحسین- سلام الله علیه- با آن حال نقاقت، آن طوری که شایسته است تبلیغ کرد...&#171;

&#171;... من در پاریس که بودم بعضی خیراندیش‌ها می‌گفتند که نمی‌شود دیگر! وقتی که نمی‌شود باید چه کرد؟ باید قدری [...] گفتم ما تکلیف شرعی داریم عمل می‌کنیم و مقید به این نیستیم که پیش ببریم. برای اینکه آن را ما نمی‌دانیم، قدرتش را هم الان نداریم اما تکلیف داریم. ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می‌کنیم. من اینطور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم، اگر پیش بردیم، هم به تکلیف شرعی عمل کرده ایم هم رسیده ایم به مقصد، اگر پیش نبردیم، به تکلیف شرعی عمل کرده ایم، نتوانستیم،

حضرت امیر هم نتوانست، این چیزی نیست. خوب، ما به اندازه قدرتمان می توانیم کار بکنیم... (3& raquo;) و با ایمان و عشق و دلدادگی عارفانه‌ای اعلام می‌کنند که روش مبارزه برگرفته از راه سالار شهیدان و وارث راه انبیا در همیشه تاریخ حرف روز می باشد.

&#171;... حالا ما باید حرف روز بزنیم، حرف سیدالشهدا حرف روز است، همیشه حرف روز است، همیشه حرف روز را سیدالشهدا آورده و دست ما داده... همین هاست که این نهضت را پیش برده، اگر سیدالشهدا نبود، این نهضت هم پیش نمی برد. سیدالشهدا همه جا هست: کل ارض کربلا. همه جا محضر سیدالشهدا است... (4& raquo;)

&#171; باید ببینیم رمز بقای این مذهب و بقای ممالک اسلامی، ممالک شیعی چه بوده است. ما باید آن رمز را حفظش بکنیم. یکی از رمزهای بزرگی که بالاترین رمز است قضیه سیدالشهدا است. سیدالشهدا- سلام الله علیه- مذهب را بیمه کرد، با عمل خودش اسلام را بیمه کرد، نگه داشت. و آن نهضتی که آن بزرگوار کرد و شکست داد- ولو کشته شد. لکن شکست داد- بر اموی و دیگران، آن نهضت باید حفظ بشود. اگر ما بخواهیم مملکتمان یک مملکت مستقلی باشد، یک مملکت آزادی باشد، باید این رمز حفظ شود...& raquo; (5)

&#171;... باید تا آخر این مطلب باشد هیچ درش سستی نشود، تا وقتی که ان شاءالله علم را به دست صاحب علم بدهند... (6& raquo;)

- 
- 1) صحیفه امام ج 5 ص 267 و 268
  - 2) صحیفه امام ج 17 ص 57
  - 3) صحیفه امام ج 8 ص 10
  - 4) صحیفه امام ج 8 ص 526
  - 5) صحیفه امام ج 11 ص 97
  - 6) صحیفه امام ج 21 ص 4

نویسنده: ابراهیم حاجی محمدزاده